

ساعتی با مهدی خیابانی، انیمیشن ساز و دارنده رتبه سوم کشور در رقابت پژوهش سراهای دانش آموزی

شیفته آرامش دنیای گرافیک



امید محله



شهامت اتمام چند سال تجربه ای که از دنیای شیرین گرافیک کسب کرده بود. یک طرف، اردیبهشت امسال و آشنایی اش با پژوهش سرای ابوریحان در محله وحید، یک طرف. هر چند که دو سال از ورود مهدی خیابانی، دانش آموز پایه دوازدهم هنرستان امام علی (ع)، به بازار کار مرتبط با رشته تحصیلی اش می گذرد. می گوید که جنس آموخته هایش پس از ورود به پژوهش سرا با همه آنچه تا به حال پشت میز و نیمکت کلاس ها و در کارگاه های هنرستان یاد گرفته است. تفاوت دارد. این دانش آموز رشته تولیدات چند رسانه ای، برایمان از کسب رتبه سوم در سال ۱۴۰۳ در میان پژوهش سراهای دانش آموزی کشور می گوید؛ رتبه ای که حاصل ساخت یک انیمیشن چهار دقیقه ای در زمینه زیست فناوری است و سندی بر اثبات توانمندی او در میان دانش آموزان دیگر نواحی مشهد، استان و کشور.

عکس: فهیمه فرخی/شهرآرامش

● چه حسی داشت؟

اینکه بتوانی مهارت را به پول تبدیل کنی، خیلی شیرین است.

● چطور بازاریابی می کنی؟

در سایت های مرجع استخدامی، کارفرما درخواست، مبلغ و زمان آن را مطرح می کند و تو ضمن ارائه رزومه، به آن پاسخ می دهی.

● وضعیت درسی ات چطور است؟

خوب؛ معدل پارسالم شد ۱۸ و خرده ای.

● بنای ادامه تحصیل در کدام رشته را داری؟

هنوز انتخاب قطعی نکرده ام. رشته ای می خواهم که جنبه گرافیکی اش پررنگ باشد.

● در گرافیک چه دیده ای که علاقه مند شدی؟

انجام دادنش آرامش و صبر می خواهد. نداشته باشی، یک ربع بعد، فتوشاپ را می بندی و از پشت کار بلند می شوی یا بدتر؛ یک ساعت کار می کنی تا از موشن خروجی بگیری؛ بعد می بینی یک ثانیه باگ دارد و باید دوباره، کار را انجام بدهی.

● این علاقه را از کی فهمیدی؟

علاقه ام را از کلاس هفتم فهمیدم اما انگار قبل از آن، همه می دانستند که من رشته ای مرتبط با کامپیوتر را انتخاب خواهم کرد.

● خودت را قبل و بعد از آشنایی با پژوهش سرا مقایسه کن.

در این کمتر از یک سال، خیلی بزرگ شده ام. آینده برایم روشن و جدی شده است؛ به ویژه وقتی با تجربه کارورزی تابستانه هنرستان، همراه شد. خوبی پژوهش سرا این است که هم از لحاظ علمی پیشرفت می کنی، هم فنی و هم ارتباطات اجتماعی.

● افتخار دیگری هم کسب کرده ای؟

قبل از این مسابقه، در رقابت دیگری شرکت نکرده بودم. راستش اصلا فکرش را نمی کردم که بتوانم جایگاه کشوری را کسب کنم.

● پروژه پژوهشی دیگری هم در دست داری؟

دارم برای جشنواره سال بعد آماده می شوم. یک پروژه ام در زمینه علوم آزمایشگاهی و دیگری درباره انرژی های نوین است.

● در روز چقدر وقت می گذاری برایشان؟

سرم خیلی شلوغ است، بین یک تا دو ساعت در روز حداکثر.

● چرا شلوغ؟

هم مدرسه دارم، هم کنکور. برای مشتری هایم، به صورت پروژه ای کارهای گرافیکی هم انجام می دهم.

● از چند وقت پیش؟

دو سالی می شود که کار طراحی لوگو، پوستر و... انجام می دهم. اولین کارت ویزیت را دو سال پیش زدم برای یک نمایشگاه اتومبیل. ۱۵۰ هزار تومان دستمزد گرفتم.

● ساخت انیمیشن را در هنرستان یاد گرفتی؟

مقدماتش را بله. مادر تولیدات چند رسانه ای، اصول طراحی و کار با نرم افزارها را یاد می گیریم و می توانیم موشن بسازیم. اما برای حرفه ای شدن در این کار باید علاقه مند باشی و آموزش های بیشتر را در فضاهایی مثل یوتیوب دنبال کنی.

● با پژوهش سرای ابوریحان چطور آشنا شدی؟

ابتدایی بودم، یادم نیست کلاس چندم. از طرف مدرسه، مارا آورده بودند پژوهش سرا برای بازدید. خوش گذشت و خاطره خوبی در ذهنم ماند. گذشت تا اردیبهشت امسال که از طرف پژوهش سرا آمدند هنرستان ما و درباره فعالیت هایش توضیح دادند. علاقه مند شدم و تصمیم گرفتم با ساخت یک انیمیشن در رقابت بین پژوهش سراهای دانش آموزی شرکت کنم.

● حوزه زیست فناوری را می شناختی؟

نه. برای اینکه بتوانم انیمیشنی در زمینه اخلاق زیستی تولید کنم، مطالعه کردم و از استاد راهنمایم، دکتر ضرغامی، کمک گرفتم. سناریو نوشتم، شخصیت ها را خلق کردم. چند برش موشن ساختم و در نهایت به هم وصل کردم.

● تهیه این اثر چقدر طول کشید؟

وقتم محدود بود. ۱۰ روزه توانستم کلیات کار را جمع کنم. ویرایش نهایی را یک ماه بعد و برای ارائه به مرحله استانی جشنواره، انجام دادم.

لیاقت این جایگاه را داشت

مینا ضرغامی مقدم، دکترای زیست شناسی و کارشناس

زیست فناوری پژوهش سرای ابوریحان

روزی که مهدی آمده بود پژوهش سراتارا هنمایی بگیرد و بتواند با ساخت یک انیمیشن در جشنواره شرکت کند، به او که دانش آموزی هنرستانی بود، پیشنهاد تولید انیمیشن در زمینه ای را دادم که اطلاعاتی درباره آن نداشت. چند لحظه ای مکث کرد و با اعتماد به نفس گفت:

«می توانم»، تنها سوالی که از من پرسید، این بود که چقدر زمان دارد. آن روز به عنوان استاد راهنما به این نتیجه رسیدم که با نوجوانی مسلط بر خود و با انگیزه مواجه هستم. با توضیحاتی که به زبان ساده درباره زیست فناوری و اخلاق زیستی به او دادم و مناجعی که مطالعه کرد، توانستم سناریوی داستانی بنویسیم.



تلاشش را می دیدم اما به دلیل نامرتب بودن رشته تحصیلی اش با انیمیشنی که بنا بود بسازد، تردید داشتم از پس کار بر بیاید. ویراست اول را که برایم فرستاد، با وجود کاستی هایی که داشت و باید برطرف می شد، مطمئن شدم که به مرحله استانی راه پیدا می کند؛ تجربه پانزده ساله کار در پژوهش سرا این اطمینان را به من می داد؛ با این حال، مصاحبه نفس گیری که داورها در مرحله کشوری انجام می دهند، نمی گذاشت به شانس موفقیت این انیمیشن در سطح ملی اطمینان داشته باشم. به ویژه اینکه مهدی، نوجوانی برون گرا و پر صحبت نبود.

با تمام این نگرانی ها و تلاش ها، داشتن یک سناریوی واقعی و قوی، خوش ساخت بودن انیمیشن، زبان ساده آن و انتخاب یک موضوع به روز دست به دست هم داد تا جایگاهی را که لایقش بود، به دست بیاورد.

